



درس نهج البلاغه شناسی استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۴/ اردیبهشت/ ۱۳۹۸

مصادف با: ۲۸ شعبان ۱۴۴۰

جلسه: ۱

موضوع کلی: نهج البلاغه شناسی

موضوع جزئی: مقدمه

سال اول

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

مقدمه

عنوان بحث در این ایام که جلسات محدودی را به خودش اختصاص می دهد نهج البلاغه شناسی یا آشنایی با نهج البلاغه و یا به تعبیر دیگر شناخت اجمالی نهج البلاغه است. معنای این عنوان این است که اموری که برای ورود به نهج البلاغه مفید و لازم است مورد تعرض قرار خواهند گرفت، بنابراین فعلا وارد بحث از تفسیر و شرح محتوای کلمات امیرالمؤمنین مثل خطب، نامه‌ها، حکم و مواعظ نخواهیم شد. بلکه از اموری بحث می‌کنیم که به نظر می‌رسد کمتر به صورت درسی به آن پرداخته شده و لازم است تا حدودی به آن‌ها اشراف پیدا شود. البته به هر اندازه‌ای که زمان به ما اجازه دهد و اگر مطالبی باقی ماند در فرصت‌های بعدی بحث را دنبال می‌کنیم.

حضرت علی(ع) به عنوان خلیفه رسول خدا(ص) و نزدیک‌ترین صحابی رسول خدا(ص) و به عنوان داماد پیامبر و اهل بیت پیامبر و جایگاهی که نزد پیامبر(ص) و جامعه اسلامی داشت قهراً گفتار و رفتارشان همواره مورد توجه و التفات مسلمین بوده است. ما در این مباحث قصد نداریم که سیره امیرالمؤمنین را بحث کنیم، نه تاریخ زندگانی ایشان و نه فضایل و مناقب ایشان؛ این‌ها هیچ‌کدام مد نظر نیست، چه اینکه هر کدام از این‌ها موضوع برای یک بحث و درس است. آن‌چه که این‌جا مطرح است سخنان و کلمات و نامه‌ها و مواعظ ایشان است که در کتابی به عنوان نهج البلاغه گردآوری شده است.

جمع آوری سخنان حضرت علی(ع) قبل از سید رضی

امیرالمؤمنین با توجه به جایگاهی که داشتند سخنان و گفته‌های فراوانی از او باقی مانده است. اهتمام به جمع آوری سخنان حضرت علی(ع) قبل از سید رضی وجود داشته است.

مسعودی در مروج الذهب تصریح می کند که مردم چیزی حدود چهارصد و هشتاد و اندی از خطبه‌های آن حضرت را حفظ کردند. آن‌چه که مردم از خطابه‌های علی در مقامات مختلف حفظ کرده‌اند بالغ بر چهار صد و هشتاد و اندی خطبه است. علی(ع) آن خطابه‌ها را فی البداهه و بدون پیش نویس انشاء می‌کرد و مردم الفاظ او را فرا می‌گرفتند و عملاً از آن بهره‌مند می‌شدند.^۱ مسعودی تقریباً صد سال قبل از سید رضی زندگی کرده است. شما این گزارش مسعودی را با آمار خطبه‌های نهج البلاغه که سید رضی

^۱ مروج الذهب، ج ۲، ص ۴۱۹.

جمع‌آوری کرده است مقایسه کنید. بعضی تعداد خطبه‌های نهج البلاغه را دویست و سی و اندی دانسته، بعضی دویست و سی و هفت خطبه و بعضی دویست و سی شش خطبه و بعضی دویست و سی و نه و بعضی دویست و چهل و یک و بعضی دیگر دویست و چهل و دو خطبه نقل کردند. اختلاف عدد خطبه‌ها نیز به این جهت است که بعضی یک قسمت را دنباله خطبه قبل یا مستقل به حساب آورده‌اند و این ادامه خطبه قبل محسوب کردن یا مستقل محسوب کردن باعث شده است که تعداد خطبه‌ها متفاوت شود و فرق کند.

علی‌ای حال تقریباً بیش از دو برابر آن‌چه که سید رضی در کتاب نهج البلاغه نقل کرده است آماره است که مسعودی به عنوان یک مورخ، صد سال قبل از آن به آن اشاره می‌کند. گزارش مسعودی ضمن اینکه کمیت خطبه‌ها را نشان می‌دهد که بیشتر از چیزی است که سید رضی گردآوری کرده است، نشان دهنده اهتمام جامعه اسلامی به حفظ خطب امیرالمؤمنین (ع) است. معمولاً حفظ خطب و سخنان و کلمات بزرگان اگر از اعتبار برخوردار نباشد صورت نمی‌گیرد. کتاب، نامه و پیام از ادیبان و شعرا از همان صدر اسلام وجود داشته، اما اینکه مردم خطبه‌های امیرالمؤمنین را حفظ می‌کردند حاکی از اهمیت و اهمیتی است که به این مسئله داشتند. علی‌ای حال جمع‌آوری خطب امیرالمؤمنین چه به صورت شفاهی و چه مکتوب، قبل از سید رضی وجود داشته است.

مؤلف نهج البلاغه

سید رضی نیز بخش مهمی از مطالب امیرالمؤمنین را در کتاب نهج البلاغه گردآوری نمود.

سید رضی به یک معنا یک نابغه بود. اکنون قصد نداریم شرح حال او را بیان کنیم ولی اجمالاً نبوغی داشت، مخصوصاً در دایره ادبیات و شعر که نقل می‌کنند در ده سالگی قصیده‌ای گفت که همگان را به تعجب واداشت و وقتی هم که به سن ۲۱ سالگی رسید از ناحیه دولت امیر الحاج بوده؛ هم مناصب رسمی و دولتی داشته و هم دانشمندانی بوده که آثاری از او به جا مانده است. مرحوم علامه امینی در الغدیر حدود نوزده کتاب را به او منتسب کرده از جمله:

۱. تلخیص البیان فی مجازات القرآن.

۲. مجازات الآثار النبویه که ۳۶۱ حدیث از پیامبر نقل کرده که در آن‌ها مجاز یا استعاره یا یک نکته بلاغی را از آن احادیث استفاده کرده و در ذیل هر حدیث آن مجاز یا استعاره را شرح مختصری داده است.

۳. حقایق التأویل فی متشابه التنزیل.

۴. دیوان شعر که متجاوز از ۱۶ هزار بیت در انواع شعر از اشعار خود سید رضی در آن گردآوری شده است.

۵. خصائص الاثمه که جرقه تدوین نهج البلاغه از همین کتاب در ذهن ایشان زده شد.

۶. نامه‌های سید رضی که در سه جلد جمع‌آوری شده است.

البته برخی از کتب سید رضی در دسترس نیست.

چگونگی پیدایش نهج البلاغه

خود سیدرضی در مقدمه نهج البلاغه می‌گوید: «... فإني كنت في عنفوان السن و غضاضة الغصن ابتدأت تأليف كتاب في خصائص الأئمة (ع) يشتمل على محاسن أخبارهم و جواهر كلامهم حداني عليه غرض ذكركه في صدر الكتاب و جعلته أمام الكلام و فرغت من الخصائص التي تخص أمير المؤمنين عليا (ع) و عاقت عن إتمام بقية الكتاب محاجزات الأيام و مماطلات الزمان...»^۱ ایشان می‌گوید: «... من در اوان جوانی و در زمان طراوت شباب شروع کردم به تألیف کتابی در ویژگی‌ها و خصائص ائمه که مشتمل بر نیکویی‌های اخبار ایشان و گوهرهای کلام آن‌ها باشد. سپس بعد از آنکه از بیان ویژگی‌های امیرالمؤمنین فارغ شدم مشکلات و مصائبی پیش آمد که از ادامه تألیف این کتاب باز ماندم...» چون از ابتدا کار تبویب و تنظیم فصول را انجام داده بود یک بخشی از این کتاب را به کلمات کوتاه امیرالمؤمنین (ع) اختصاص داده بود.

خود ایشان در مقدمه می‌فرماید: «... و كنت قد بويت ما خرج من ذلك أبوابا و فصلته فصولا فجاء في آخرها فصل يتضمن محاسن ما نقل عنه (ع) من الكلام القصير في المواعظ و الحكم و الأمثال و الآداب دون الخطب الطويلة و الكتب المبسوطة...»^۲

«... در یک قسمتی از خصائص بابتی را قرار داده بودم که متضمن محاسن سخنانی کوتاه بود که از امیرالمؤمنین (ع) نقل شده بود «... الكلام القصير في المواعظ و الحكم و الأمثال و الآداب...» اما خطبه‌های طولانی و نامه‌های مبسوط را ذکر نکرده بودم. پس ابتدائاً در خصائص فقط این بخش از سخنان آن‌هم نه همه آن‌ها بلکه فقط محاسن ما نقل عنه (که توضیح می‌دهیم مقصود از آن چیست) را ذکر کرده بود. بعد جماعتی از دوستان این کار را تحسین کردند و متعجب شدند از این سخنان و از من خواستند که خطبه‌ها و نامه‌های امیرالمؤمنین را نیز ضمیمه کنم. همه سخنان و خطبه‌ها و نامه‌ها و این کلمات قصار در یک جا جمع آوری شود. سپس می‌گوید: من اقدام به این کار کردم ولی نه همه آن‌ها را، وی آنگاه می‌نویسد: «... رایت کلامه (ع) يدور على اقسام ثلاثة و رأيت کلامه (ع) يدور على أقطاب ثلاثة أولها الخطب و الأوامر و ثانيها الكتب و الرسائل و ثالثها الحكم و المواعظ؛ فأجمعت بتوفيق الله تعالى على الابتداء باختيار محاسن الخطب ثم محاسن الكتب ثم محاسن الحكم و الأدب مفردا لكل صنف من ذلك بابا و مفصلا فيه أوراقا لتكون مقدمة لاستدراك ما عساه يشذ عن عاجلا و يقع إلى آجلا...»^۳

«... من اول محاسن خطبه‌ها و محاسن نامه‌ها و محاسن حکمت‌ها را به نحوی که برای هر یک از این سه صنف بابتی را اختصاص دادم و البته اوراقی گذاشتم برای اینکه اگر چیزی الان از دید من پنهان ماند و یا ممکن است من بعدا به آن برخورد کنم را در این اوراق ضمیمه کنم...»

کاستی‌های نهج البلاغه

پس: ۱. جرقه گردآوری سخنان امیرالمؤمنین از کتاب خصائص الامامیه زده شد و هدف از آن را خود سید رضی این‌چنین بیان کرده است که محاسن کلام، محاسن خطبه‌ها و محاسن نامه‌ها را جمع کند. منظور از محاسن (با توجه به اینکه همه سخنان امیرالمؤمنین (ع) از محاسن است)، با توجه به ذوق ادبی و شعری سید رضی این بود که کلماتی که بلاغت و فصاحت آشکار دارد را جمع آوری کند. لذا اهتمام به نقل تمامی سخنان حضرت علی (ع) نداشته است، به همین دلیل نام این کتاب را نهج البلاغه گذاشته

^۱ شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۴۴.

^۲ شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۴۴.

^۳ شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۴۸.

است یعنی روش و شیوه بلاغت و رسا سخن گفتن. پس اساس کار سید رضی در نهج البلاغه بیشتر از زاویه فصاحت و بلاغتی بوده که در سخنان امیرالمؤمنین(ع) ملاحظه کرده و به همین جهت همه سخنان امیرالمؤمنین(ع) را بیان نکرده است.

۲. به علاوه ایشان مأخذ و مدارک سخنان را در این کتاب (به جز مواردی اندک که نام کتاب مأخذ ذکر شده) بیان نکرده است. این شیوه سید رضی در این کتاب است. به همین جهت بعضی از این امور منشاء شبهاتی شده که بعداً به آن‌ها خواهیم پرداخت. شبهات و ایراداتی حول نهج البلاغه وارد شده است، از جمله عدم ذکر منابع و مأخذها چند ایراد نسبت به نهج البلاغه ذکر کرده‌اند که انشاء الله متعرض آن‌ها خواهیم شد و پاسخ‌های آن‌ها را نیز بیان خواهیم کرد.

خود سید رضی در پایان می‌نویسد: «... و من الله أستمد التوفيق والعصمة وأتجز التسديد والمعونة وأستعيذه من خطأ الجنان قبل

خطأ اللسان و من زلة الكلم قبل زلة القدم و هو حسبي و نعم الوكيل...»^۱

این کتاب تقریباً شش سال قبل از فوت سید رضی به پایان رسیده است، یعنی سال ۴۰۰؛ زیرا در سال ۴۰۶ سید رضی فوت کرده است و عجیب این است که سید رضی ۴۷ سال بیشتر عمر نکرده است واقعا چه عمر با برکتی؛ متولد ۳۵۹ و متوفای ۴۰۶ هـ ق، لذا ۴۷ سال بیشتر عمر نکرده است ولی اثری از خود به جا گذاشت که تا امروز از جهات مختلف مورد توجه است. حتماً اساس کار بر خلوص نیت بوده که این چنین کار پا برجا مانده است.

جمع آوری همه سخنان و همه نامه‌های حضرت علی(ع)

اخیراً کتابی تحت عنوان تمام نهج البلاغه منتشر شده که مشتمل بر همه مطالب و سخنان امیرالمؤمنین(ع) است. ملاحظه فرمودید وقتی مسعودی حدود صد سال قبل از سید رضی می‌گوید: مردم چهارصد و هشتاد و اندی خطبه از امیرالمؤمنین(ع) حفظ کرده‌اند حاکی از این است که مجموع سخنان حضرت علی(ع) بیش از این‌ها است، کاری که توسط یکی از فضلاء در این کتاب شده و در مقدمه اش نیز بیان کرده این است که طی پنج سال با مراجعه به منابع و مصادر تلاش کرده آن بخش‌هایی که در این کتاب نیامده را از منابع و مصادر تکمیل کند. بعضی از این گفتارها در لابه لای سخنان است، بعضی از سخنان اساساً بیان نشده است، بعضی نیز حواشی آن کلمات است که به گفته‌های دیگران مربوط می‌شود. به یک نمونه از این موارد اشاره می‌کنیم:

در اوائل خطبه اول این طور وارد شده است «...وَمَنْ قَالَ فِيْمَ فَقَدْ ضَمَّنَهُ وَمَنْ قَالَ عَلَّامَ فَقَدْ أَخْلَى مِنْهُ...»^۲

این مطلبی است که در نهج البلاغه سید رضی آمده است، اما آن چیزی که در این کتاب به عنوان تمام نهج البلاغه آمده است این است:

«... وَمَنْ قَالَ فِيْمَ فَقَدْ ضَمَّنَهُ وَمَنْ قَالَ عَلَّامَ فَقَدْ جَهَلَهُ وَمَنْ قَالَ أَيْنَ فَقَدْ أَخْلَى مِنْهُ وَمَنْ قَالَ مَا هُوَ فَقَدْ نَعَتَهُ وَمَنْ قَالَ إِلَّامَ فَقَدْ غَيَّاهُ...»

این عبارات ممکن است از لحاظ معنایی خیلی با عبارات های قبلی فرقی نداشته باشند ولی کاملتر است. کار دیگری که این مؤلف کرده، مصادر این عبارات را نیز بیان کرده است. مثلاً روایت فوق را از (کافی، ج ۱، ص ۱۴۰ و دستور معالم الحكم (که از جمله کتبی

^۱ شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۵۳.

^۲ شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۷۳.

است که قبل از سید رضی کلمات امیرالمؤمنین(ع) را جمع آوری کرده است) ص ۱۵۴ و مستدرک نهج البلاغه، کاشف الغطاء، ص ۴۳) بیان کرده است.

به هر حال نمونه‌های زیادی داریم که سید رضی در نهج البلاغه نیاورده؛ یا به دلیل اینکه اساساً به آن‌ها دسترسی پیدا نکرده و خود سید رضی نیز در مقدمه به آن اشاره کرده است یا اگر هم دسترسی پیدا کرده چون اهتمام به جمع‌آوری محاسن کلام داشته یعنی کلماتی که در اوج فصاحت بودند، بقیه کلمات را که از نظر فصاحت و بلاغت همسنگ این کلمات نبودند را نیاورده است.

علی‌ای حال این کتاب که شامل همه سخنان و کلمات و نامه‌ها و خطبه‌ها و کلمات قصار حضرت علی(ع) نیست در دسترس است. با این نهج البلاغه، امیرالمؤمنین(ع) را در دنیا شناخته‌اند، یعنی امیرالمؤمنین طی قرون متمادی در دنیا نه فقط در دنیای اسلام با همین کتابی که توسط سید رضی به نام نهج البلاغه گردآوری شده است شناخته شده و صرف نظر از محتوا و عمق مطالب امیرالمؤمنین در نهج البلاغه و نیازی که بشر امروز به این سخنان دارد، آنچه همگان را به اعجاب واداشته، فصاحت و بلاغت امیرالمؤمنین در این کلمات است قضاوت‌ها و داوری‌هایی که در برابر این سخنان از ناحیه افراد مختلف چه شیعه و چه سنی و چه مسیحی و چه غیر مسیحی شده شنیدنی است.

همان‌طور که خود سید رضی در مقدمه گفته است: «... کان امیرالمؤمنین(ع) مشرع الفصاحة و موردها و منشأ البلاغة و مولدها و منه (ع) ظهر مکنونها و عنه أخذت قوانینها و علی أمثلته هذا کل قائل خطیب و بکلامه استعان کل واعظ بلیغ و مع ذلك فقد سبق و قصر و تقدم و تأخروا...»^۱

«امیرالمؤمنین(ع) سرچشمه فصاحت و منشاء و مولد بلاغت است از او اسرار بلاغت آشکار شد و قوانین و دستورات آن از امیرالمؤمنین اخذ شد، بر شیوه او هر خطیب توانایی راه یافت و به گفتار او هر خطیب توانایی یاری جست و با این حال او در این میدان جلو رفت و بقیه فرو افتادند، او تقدم یافت و دیگران متأخر ماندند.»

کسی این سخن را می‌گوید که خودش از نظر فصاحت و بلاغت سرآمد روزگار خودش است، معاویه نیز درباره امیرالمؤمنین(ع) چنین می‌گوید.

روزی شخصی که از امیرالمؤمنین(ع) روی گردانده بود سراغ معاویه رفت و از روی شیرین‌زبانی و برافروختن آتش کینه به او گفت: من از نزد بی‌زبان‌ترین مردم آمدم.

معاویه که دید او تملق و چاپلوسی را به حد اعلی رسانده گفت: وای بر تو، تو از نزد بی‌زبان‌ترین مردم آمدی؟ علی به قریش فصاحت و بلاغت آموخت، قریش فصاحت و بلاغت را از او اخذ کردند.

علی‌ای حال این یک توضیح اجمالی راجع به نهج البلاغه موجود بود و اینکه نسبتش با سخنان امیرالمؤمنین(ع) چیست. آیا تمامی سخنان است یا بعضی از آن.

بحث جلسه آینده

^۱ شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۴۵.

بحثنی در مورد سند نهج البلاغه و اعتبار آن مطرح شده است. البته شبهات دیگری نیز مطرح شده مثل اینکه این کتاب نوشته سید مرتضی است نه سید رضی. یکسری از این شبهات را سید هبة الدین شهرستانی مطرح کرده است که بخشی را بعداً متذکر می‌شویم. ابتدائاً برخی از توصیفات که از نهج البلاغه شده را بیان می‌کنیم و سپس بحث اعتبار سندی نهج البلاغه را مطرح خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»